

## بررسی دو نظریه درباره «وارثان برگزیده قرآن»

(با تأکید بر احادیث امامیه)

علی راد\*

کاظم قاضی زاده\*\*



چکیده

وراثت قرآن و سنت تبیینی و تعلیمی پیامبر ﷺ در قرآن شناسی، سازوکاری عقلی و منطقی است که قرآن در آیات ۳۱-۳۳ سوره فاطر آن را به عنوان لازمه ضرورت خاتمیت کتاب و نبوت تمهید کرده است. مطابق مدلول ظاهری این آیات، خداوند علم کامل، دقیق و صحیح شناخت قرآن را به گروه خاصی از بندگان خویش اعطا کرده و آنان را وارثان برگزیده قرآن معرفی نموده است تا پس از رحلت پیامبر ﷺ هر کس بخواهد طریق حق و حقیقت را بیوید، از دانش قرآنی و آگاهی آنان از سنت نبوی بهره گیرد و گام در مسیر نور نهد. در باب «وارثان برگزیده قرآن» دو دیدگاه متقابل در میان مذاهب اسلامی وجود دارد. عموم مفسران اهل سنت با استناد به استنباط‌های شخصی و ظهور عموم الفاظ آیات سوره فاطر، مقصود از وارثان را عموم امت اسلامی، صحابه، تابعان و انبیای سلف و امم پیشین گفته‌اند. این دیدگاه اجتهادی و فاقد مستند روایی بوده و از تکثر اجمالی در مفهوم وارثان برخوردار است. در مقابل اهل بیت علیهم السلام ضمن نقد و ابطال دیدگاه مخالف به اثبات انحصار و اختصاص وارثان برگزیده قرآن در شان عترت نبوی پرداخته‌اند. دیدگاه اهل بیت علیهم السلام بر این نکته تأکید دارد که آگاهی از سنت تبیینی و تعلیمی پیامبر ﷺ در قرآن شناسی - که دستیابی به آن پیش شرط ضروری برای فهم

\* استادیار دانشگاه تهران (پردیس قم).

\*\* عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی - واحد علوم و تحقیقات.

صحیح قرآن است. به طور جامع و کامل از طریق وراثت به عترت ایشان منتقل شده است؛ این وراثت وحیانی است و انتخاب عترت برای این مقام، الهی بوده است. در دیدگاه اهل بیت علیهم السلام مفهوم مستفاد از ظاهر آیات سوره فاطر با روایات نبوی و بالأخص دلالت حدیث ثقلین، استقرار یافته و نص بودن آنها تثبیت شده است. بعد از رحلت پیامبر صلی الله علیه و آله، تحقق این وراثت در شأن عترت نبوی، در احادیث اهل بیت علیهم السلام مورد تأکید قرار گرفته، و معصومان بر تفسیر و تطبیق انحصاری آیه در خصوص عترت نبوی پای فشرده و علیه مخالفان بدان احتجاج نموده‌اند. نقطه مشترک این احادیث، جایگاه ممتاز علمی اهل بیت علیهم السلام در شناخت قرآن و آگاهی از سنت نبوی است؛ به گونه‌ای که حتی افراد شاخص صحابه و دیگر عالمان نیز چنین دانشی ندارند. در این پژوهش دو نظریه اسلامی مشهور اهل سنت و اهل بیت علیهم السلام درباره وراثت برگزیده قرآن بررسی شده و با تکیه بر احادیث امامیه دیدگاه مخالف اهل بیت علیهم السلام نقد شده است.

کلید واژه‌ها: وراثت برگزیده قرآن، تفسیر تطبیقی، وراثت کتاب، آیات ۳۱-۳۳ سوره فاطر.

#### درآمد

آموزه کلامی وراثت قرآن و وراثت برگزیده قرآن، خاستگاهی قرآنی دارد. مفاد این آموزه در آیات «وَالَّذِي أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ مِنَ الْكِتَابِ هُوَ الْحَقُّ مُصَدِّقًا لِمَا بَيْنَ يَدَيْهِ إِنَّ اللَّهَ بِعِبَادِهِ لَخَبِيرٌ بَصِيرٌ» ثُمَّ أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ مِنَ الْكِتَابِ الَّذِينَ اضْطَفَيْنَا مِنْ عِبَادِنَا فَمِنْهُمْ ظَالِمٌ لِنَفْسِهِ وَمِنْهُمْ مُقْتَصِدٌ وَمِنْهُمْ سَابِقٌ بِالْخَيْرَاتِ يُأْتِي اللَّهَ بِذَلِكَ هُوَ الْفَضْلُ الْكَبِيرُ» جَنَاتٌ عَذْبٌ يَدْخُلُونَهَا يُحَلَوْنَ فِيهَا مِنْ أَسَاوِرٍ مِنْ ذَهَبٍ وَتُؤْتَوْنَ فِيهَا خَمْرٌ» بیان شده است. مطابق اصل حجیت دلالت ظواهر آیات، مخاطب اصلی و اختصاصی این آیات پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله است و مقصود از هر دو عنوان «الکتاب» در آیه «وَالَّذِي أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ مِنَ الْكِتَابِ ...» و آیه «ثُمَّ أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ مِنَ الْكِتَابِ الَّذِينَ اضْطَفَيْنَا ...» قرآن کریم است که بر پیامبر صلی الله علیه و آله وحی شده و همین قرآن به بندگان برگزیده خداوند به ارث رسیده است. اصالة الظهور، توجه به سیاق آیات، عهد بودن الف و لام در الکتاب و دلالت منطوقی، قوی‌ترین دلایل بر اثبات این همانی کتاب در هر دو آیه است که مفسران امامیه به آنها تأکید و استدلال نموده‌اند.<sup>۱</sup>

۱. سوره فاطر، آیه ۳۱-۳۳؛ و آنچه از کتاب به سوی تو وحی کرده‌ایم، خود حق [و] تصدیق‌کننده [کتاب‌های] پیش از آن است. قطعاً خدا نسبت به بندگانش آگاه‌بیناست. سپس این کتاب را به آن بندگان خود که [آنان را] برگزیده بودیم، به میراث دادیم؛ پس برخی از آنان بر خود ستمکارند و برخی از ایشان میانه‌رو، و برخی از آنان در کارهای نیک به فرمان خدا پیشگام‌اند؛ و این خود توفیق بزرگ است. [در] بهشت‌های همیشگی [که] به آنها درخواهند آمد. در آنجا با دستبندهایی از زر و مروارید زیور یابند و در آنجا جامه‌شان پرنیان خواهد بود.

۲. النبیان، ج ۸، ص ۴۲۹؛ مجمع‌النبیان، ج ۸، ص ۲۴۴؛ المیزان، ج ۱۷، ص ۴۴؛ تفسیر منهاج‌العبادین فی التزم المخالفین، ج ۷، ص ۴۴۷.

از این رو، اقوالی که مقصود از الکتاب را تورات، مطلق کتاب یا کتب آسمانی نزول یافته بر انبیای سلف دانسته‌اند،<sup>۳</sup> به دلیل مخالفت با ظهور<sup>۴</sup> و تعارض با سیاق آیات،<sup>۵</sup> عدم تناسب با آیات قبلی،<sup>۶</sup> از نظر مفسران امامیه مردود است. از این رو، الف و لام در الکتاب در آیه «ثُمَّ أَوْثَرْنَا الْكِتَابَ» ال عهد است؛ یعنی همین کتاب وحی شده بر حضرت محمد ﷺ را به ارث دادیم، نه این که مقصود الف و لام جنس باشد که در این صورت کتاب به معنای کتاب‌های آسمانی پیشین خواهد شد و<sup>۷</sup> از مفسران کهن نیز مقاتل بن سلیمان (م ۱۵۰ق) مقصود از «الکتاب» در این آیات را به قرآن تفسیر کرده<sup>۸</sup> و شماری دیگر از مفسران اهل سنت نیز همانند بغوی،<sup>۹</sup> سمعانی،<sup>۱۰</sup> نسفی<sup>۱۱</sup> و ...، همین نظر را اختیار کرده‌اند. مقصود از وراثت نیز آگاهی جامع و خطا ناپذیر از تمامت قرآن و سنت پیامبر ﷺ در تبیین و تعلیم قرآن است که از طریق وراثت به وارثان انتقال یافته باشد. لازمه این آگاهی اعطای فهم و قوه استنباط ویژه و خطا ناپذیری به وارثان است؛ به گونه‌ای که تحصیل آن فراتر از تعلیم و تعلم عادی باشد. مراد از وصف برگزیده (اصطفینا) نیز انتخابی و انحصاری بودن وراثت از طریق وحی است؛ یعنی انتخاب افراد به عنوان وارثان قرآن و حیاتی و الهی بوده و بر حکمتی خاص استوار است. از این رو، عمومیت بردار و قابل توسعه نیست. از مسائل بحث برانگیز در این آیات مفهوم و مصادیق وارثان برگزیده کتاب است که منجر به پیدایش دو دیدگاه متقابل در مذاهب اسلامی شده است.

### دیدگاه اهل سنت

دیدگاه عالمان اهل سنت در تبیین و تعیین وارثان از تکرار جمالی در مفهوم و تنوع در مصادیق برخوردار است. مفسران غیر امامی سعی داشتند مفهومی موسع و فراگیر از آیه ارائه کنند و آن را شامل عموم امت اسلامی،<sup>۱۲</sup> صحابه و تابعان،<sup>۱۳</sup> حاکمان و عالمان بدانند.<sup>۱۴</sup> از مجموع اقوال

۳. جامع البیان فی تائویل آی القرآن، ج ۲۲، ص ۱۵۹ - ۱۶۳.

۴. مجمع البیان، ج ۸، ص ۲۴۴.

۵. المیزان، ج ۱۴، ص ۴۴.

۶. همان.

۷. تفسیر نمونه، ج ۱۸، ص ۲۶۰.

۸. تفسیر مقاتل بن سلیمان، ج ۳، ص ۷۷.

۹. تفسیر البغوی، ج ۳، ص ۵۷۰.

۱۰. تفسیر السمعانی، ج ۴، ص ۳۵۸.

۱۱. تفسیر النسفی، ج ۲، ص ۳۴۳.

۱۲. تفسیر مجاهد، ج ۱، ص ۲۸؛ تفسیر ابن ابی حاتم الرازی، ج ۱۰، ص ۳۱۸؛ تفسیر السمرقندی، ج ۳، ص ۱۰۲.

۱۳. الکشاف عن حقائق التنزیل و هیون الأقاویل، ج ۳، ص ۳۰۸؛ تفسیر النسفی، ج ۳، ص ۳۴۳.

اهل سنت قول وارث بودن عموم امت اسلامی، شهرت زیادی دارد<sup>۱۵</sup>. قول دیگر مقصود از وارثان را انبیا و امم پیشین می‌داند<sup>۱۶</sup>. البته تقریر اخیر چندان در عصر معصومان شیوع نداشته و بعدها در تفاسیر اجتهادی مطرح شده است. ادله و شواهد خاصی در تفاسیر اهل سنت برای اثبات اقوال مذکور ارائه نشده است و تنها به عنوان رأی و اقوال تفسیری مفسران کهن استناد شده است. به نظر مفسران اهل سنت در آرای خود به ظهور و عام بودن الفاظ آیات ۳۶-۳۳ سوره فاطر بسنده کرده یا مستندشان استنباطات شخصی آنان بوده است. جالب آن که برخی از این اقوال، همانند قول انبیا و صحابه با یکدیگر قابل جمع نیستند. علامه طباطبایی اختلاف دیدگاه‌های اهل سنت در تعیین گروه پیشتازان در خیرات و وارثان برگزیده قرآن را تعجب‌آمیز خوانده است. سپس بعد از گزارش چند قول از آنان گفته است، این اختلاف آرا تا حدی هست که با ضرب احتمالات در همدیگر، از هزار رأی تجاوز می‌کند.<sup>۱۷</sup>

پنداره وارث بودن عموم امت اسلامی، از عهد امام سجاد علیه السلام تا عصر امام رضا علیه السلام، نگره مطرح در مراکز مهم اسلامی عهد معصومان، از جمله عراق و خراسان بوده است. این سخن به معنای عدم شیوع آن در مدینه، مکه، شام و دیگر حوزه‌های تفسیری و حدیثی نیست، زیرا که خاستگاه اصلی پیدایش این نگره مدینه و مکه بوده و از طریق برخی از مفسران صحابه و تابعانی - که میانه خوبی با اهل بیت نداشتند - به مراکز دیگر شیوع پیدا کرده است. آرای منسوب به

۱۴. برخی از آرا را بنگرید: مجمع البیان، ج ۸، ص ۲۴۶.

۱۵. تفسیر السمعی، ج ۴، ص ۲۵۸.

۱۶. مجموعه اقوال رایج بنگرید: جامع البیان فی تاولیل آی القرآن، ج ۲۲، ص ۱۵۹ - ۱۶۳.

۱۷. المیزان، ج ۱۷، ص ۴۶.

۱۸. عن أبي حمزة الثمالي، عن علي بن الحسين، قال: إني لجالس عنده إذ جاءه رجلان من أهل البزاق فقالا: يا ابن رسول الله! جئناك [كي] نُخبرنا عن آيات من القرآن. فقال: و ما هي؟ قال: قول الله تعالى: «ثُمَّ أَوْزَنَّا الْكِتَابَ الَّذِينَ اضْطَفَيْنَا». فقال: يا أهل البزاق! و أيش يقولون؟ قال: يقولون: إنَّها نزلت في أمة مُحَمَّدٍ صلى الله عليه وآله...؛ ابو حمزه تمالی حکایت کرد: در حضور علی بن حسین علیه السلام نشسته بودم دو نفر از اهل عراق به نزد آن جناب آمدند و گفتند: یا بن رسول الله، به خدمت شما رسیدیم تا از تفسیر آیات قرآنی ما را با خبر فرمایید. علی بن حسین علیه السلام پرسید: از کدام آیه قرآن؟ گفتند: از معنی آیه (ثُمَّ أَوْزَنَّا الْكِتَابَ الَّذِينَ اضْطَفَيْنَا...) علی بن حسین علیه السلام پرسید: ای اهل عراق، اول بگوئید تا بدانم عراقیان در باره این آیه شریفه چه می‌گویند؟ گفتند: در عراق می‌گویند این آیه در باره امت محمد صلى الله عليه وآله نازل شده است که وارثان قرآن هستند» (تفسیر ابی حمزه الثمالی، ص ۲۷۷ - ۲۷۸).

۱۹. حَضَرَ الرَّضَا علیه السلام مَجْلِسَ الْمَأْمُونِ بِمَرْوَةٍ وَ قَدْ اجْتَمَعَ فِي مَجْلِسِهِ جَمَاعَةٌ مِنْ عُلَمَاءِ أَهْلِ الْبِرَاقِ وَ خُرَّاسَانَ، فَقَالَ الْمَأْمُونُ: أَخْبِرُونِي عَنْ مَعْنَى هَذِهِ الْآيَةِ «ثُمَّ أَوْزَنَّا الْكِتَابَ الَّذِينَ اضْطَفَيْنَا مِنْ عِبَادِنَا». فَقَالَتِ الْعُلَمَاءُ: أَرَادَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ بِذَلِكَ الْأُمَّةَ كُلَّهَا؛ امام رضا علیه السلام در مرو در مجلس مأمون حاضر شد، در مجلس او جمعی از دانشمندان عراق و خراسان انجمن بودند. مأمون رو به آنها گفت: مرا از تفسیر این آیه خبر دهید (سوره فاطر، آیه ۲۲) «سپس کتاب را از دادیم به آنها که برگزیدیم از بندگان خود». علمای حاضر گفتند مقصود از آنان همه امت اسلامی است (تحف المعرف، ص ۴۲۵ - ۴۲۶؛ الأملی، ص ۶۱۵ - ۶۱۷).

برخی از صحابه و تابعان این قول را تأیید می‌کند.<sup>۲۰</sup>

با شیوع این انگاره در جهان اسلام شاهد دو جناح بندی هستیم: ترویج انگاره عمومیت وارثان قرآن از سوی مخالفان اهل بیت و تلاش علمی معصومان در ابطال آن. نگاهی تاریخی به دو قرن نخست هجری حکایت‌گر نقش دفاعی و تبلیغی اهل بیت علیهم‌السلام در تبیین حقیقت آیه وراثت کتاب در دوره حضور آن بزرگواران است؛ نقش دفاعی در مقابله با نگره مخالفان و نقش تبلیغی در تبیین منزلت قرآنی خویش. تلاش مستمر اهل بیت همچنین نشانه‌ای بر حیات نگره مخالف نیز هست. به سخن دیگر، روایات به خوبی نشان می‌دهند که در تفسیر آیه وراثت دو جریان کاملاً مقابل هم شکل گرفته است: یکی در مدینه با محوریت اهل بیت و دیگری در سایر مراکز حدیثی که نقطه مقابل اهل بیت بودند و سعی زیادی در ترویج و تبلیغ انگاره عمومیت وارثان برگزیده قرآن داشتند؛ به گونه‌ای در سال ۲۰۰ هجری این انگاره از اعتبار خاصی نزد دانشیان اهل سنت برخوردار است و امام رضا علیه‌السلام در مناظره‌ای سخت به ابطال آن پرداخت. تردید در صحت انگاره عمومیت وارثان قرآن، جریانی است که در برخی از مراکز حدیثی چون بصره، عراق، کوفه شکل گرفته بود. همزمان با شیوع انگاره مذکور در مراکز حدیثی آن روزگار، برخی از افراد و جریان‌های فکری در صحت تفسیر مفسران مدرسه خلفا از آیه وراثت کتاب تردید نمودند و برای رفع تردید خود از اهل بیت علیهم‌السلام تفسیر صحیح آیه را جویا می‌شدند. جریان تردید با انکار صریح انگاره مذکور از سوی اهل بیت و تأکید بر نزول آیه در خصوص عترت نبوی، رو به رو شد.<sup>۲۱</sup> تفسیر اهل بیت علیهم‌السلام با سکوت و عدم ایراد مخاطبان مواجهه شده است. این به معنای اعتراف ضمنی به بطلان نظریه عمومیت وارثان قرآن و تأیید صحت تفسیر اهل بیت علیهم‌السلام به شمار می‌آید.

### دیدگاه اهل بیت علیهم‌السلام

اهل بیت علیهم‌السلام بر این اعتقاد هستند که مراد از «وارثان برگزیده قرآن»، عترت از اهل بیت

۲۰. جامع البیان فی تائویل آی القرآن، ج ۲۲، ص ۱۵۹-۱۶۳.

۲۱. عن الثمالی قال: كنت جالسا في المسجد الحرام مع أبي جعفر عليه السلام إذ أتته رجلان من أهل البصرة، فقالا له: يا ابن رسول الله! إننا نريد أن نسألك عن مسألة، فقال لهما: سلا عما أجبتما (أخبئتما)، قال: أخبرنا عن قول الله عز وجل «ثم أوزننا الكتاب الذين اضطفينا من عبادنا» أبو حمزة ثمالی گوید: در مسجد الحرام خدمت امام باقر علیه‌السلام نشسته بودم که دو تن از مردم بصره به محضرش شرفیاب شدند و عرض کردند: ای فرزند پیامبر خدا، قصد داریم مسأله‌ای از شما بپرسیم. فرمود: مانعی ندارد، گفتند: ما را از تفسیر فرموده خدا آگاه فرما «ثم أوزننا الكتاب...» (معانی الأخبار، باب معنی الظالم لنفسه والمقتصد والسابق، ج ۳، ص ۱۰۵)؛ عن سلیمان بن خالد، عن أبي عبد الله عليه السلام قال: سألته عن قوله تعالى «ثم أوزننا الكتاب الذين اضطفينا من عبادنا»، فقال: أي شيء تقولون أنتم؟ قلت: نقول إننا في القاطمين. قال: ليس حيث تذهب؛ سليمان بن خالد گوید: از امام صادق علیه‌السلام در باره قول خدای تعالی «آن‌گاه این کتاب را به کسانی که از میان بندگان خود انتخاب کرده‌ایم، به ارث دادیم» پرسیدم، فرمود: شما در این باره چه می‌گویید؟ عرض کردم: ما می‌گوییم: این آیه درباره فرزندان فاطمه علیها‌السلام است. (گویا مقصودش اولاد امام حسن است) فرمود: چنان که تو پنداری نیست (الکافی، ج ۱، ص ۲۱۵).

حضرت محمد ﷺ هستند که دارای مقام عصمت بوده و در حدیث ثقلین<sup>۲۲</sup> به عنوان ثقل قرآن معرفی شده‌اند. دارندگان مقام عترت، منحصر در دوازده معصومی هستند که شیعه آنان را به عنوان امام پذیرفته است.<sup>۲۳</sup> مقصود از وراثت، آگاهی جامع و خطا ناپذیر عترت ﷺ از تمامت قرآن و سنت پیامبر ﷺ در تبیین و تعلیم قرآن است که از طریق وراثت به آنان انتقال یافته است. لازمه این آگاهی اعطای فهم و قوه استنباط ویژه و خطا ناپذیری به افراد عترت نبوی است، به گونه‌ای که تحصیل آن فراتر از تعلیم و تعلم عادی باشد. مراد از وصف برگزیده نیز انتخابی و انحصاری بودن وراثت از طریق وحی است. انتخاب عترت نبوی به عنوان وارثان قرآن و حیانی و الهی بوده و بر حکمتی خاص استوار است. از این رو، عمومیت بردار و قابل توسعه نیست. تحقق این وراثت در شان عترت نبوی، در احادیث نبوی و اهل بیت ﷺ مورد تأکید قرار گرفته و معصومان بر تفسیر و تطبیق انحصاری آیه در خصوص عترت نبوی پای فشرده‌اند و علیه مخالفان بدان احتجاج نموده‌اند. افزون بر ادله قرآنی - روایی، متکلمان امامیه با استناد به دلیل عقل نیز ضرورت وراثت کتاب و سنت برای عترت را به اثبات رسانده‌اند که در آیه مذکور ضرورت یاد شده از سوی وحی تمهید شده است. متکلمان امامیه از این مبنا با عنوان «ایداع علم الکتاب عند العترة و الاحاطة بالسنة» یاد کرده و آن را دلیلی برهانی و مستفاد از سنت نبوی دانسته‌اند که مطابق آن هیچ گونه جدایی بین قرآن و عترت نبوی وجود ندارد و با وجود عترت، تردیدی در شریعت نمی ماند و نیازی به کاربرد قیاس در استنباط احکام شرعی پیدا نمی شود.<sup>۲۴</sup>

### روایات تفسیرگر آیه وراثت کتاب

روایات متعددی از اهل بیت ﷺ در تفسیر آیه وراثت کتاب گزارش شده است. آن گونه که در ادامه مقاله نیز خواهد آمد، از ویژگی‌های روایات تفسیرگر آیه وراثت کتاب، پرسمانی و جدلی بودن آنهاست. توجه به فضای صدور روایات نشان گر این نکته است که راز صدور برخی از آنها برخی از پرسش‌ها و شبهات بوده است. در این قسم روایات، مخاطبان از امامان در باره مفهوم و مقصود حقیقی وارثان برگزیده سؤال بوده و امامان در پاسخ به روشنگری پرداخته‌اند.<sup>۲۵</sup> برخی دیگر نیز

۲۲. اِنِّی تَارِکٌ فِیْکُمْ ثَقْلَیْنِ، مَا اِنْ تَمَسَّکْتُمْ بِهَمَّا لَنْ تَضَلُّوا بَعْدَیْ، اَخَذْهُمَا اَعْظَمُ مِنَ الْاَیْرِ، وَ هُوَ کِتَابُ اللّٰهِ خَبْلٌ مَمْدُودٌ مِنَ السَّمَاءِ اِلَى الْاَرْضِ، وَ عَثَرَتِیْ اَهْلُ بَیْتِیْ، لَنْ یَفْتَرِقَا حَتّٰی یَرِدَا عَلَیَّ الْخَوْضَ. فَانظُرُوا کَیْفَ تَخْلُقُوْنِیْ فِیْ عَثَرَتِیْ؛ من میان شما دو چیز گران می گذارم تا چنگ به آنها بزنید بعد از من، گمراه نخواهید شد. یکی از دیگری بزرگ تر است، کتاب خداست که ریسمان آویخته از آسمان به زمین است و عترت من اهل بیتم از یک دیگر جدا نمی شوند تا در حوض کوثر بر من وارد شوند. دقت کنید چگونه با اهل بیت من رفتار می کنید (بحار الانوار، ج ۲۳، ص ۱۰۸).

۲۳. هر چند حضرت زهرا ﷺ دارای مقام عصمت است، لکن چون امام نیست، تخصصاً از بحث ما خارج است.

۲۴. تطور الفقه عند الشیعه فی القرنین ۴ و ۵، ص ۲۶.

۲۵. معانی الأخبار، باب معنی الظالم لنفسه والمقتصد والسابق، ج ۳، ص ۱۰۵؛ الکافی، ج ۱، ص ۲۱۵؛ تفسیر آیه حمزة السعفی،

اشاره به این دارند که امامان علیهم السلام در مناظرات خود با مخالفان به آیه وراثت در اثبات مقام ممتاز علمی خود در شناخت قرآن استدلال کرده‌اند.<sup>۲۶</sup>

شایان ذکر است مفهوم مخالف همه روایات تبیین‌گر وارثان برگزیده، فضیلت خاص علمی برای امامان معصوم علیهم السلام شیعه را اثبات می‌کنند. از این رو، می‌توان مجموع این روایات را مناقبی نیز خواند که از باب بیان کرائم قرآن در فضایل و مناقب اهل بیت علیهم السلام صادر شده است. اینک در ادامه به بررسی و تحلیل آنها می‌پردازیم.

#### دو قرن حضور گسترده و مستمر در بیانات اهل بیت علیهم السلام

روایات تفسیری آیه وراثت کتاب<sup>۲۷</sup> حضور گسترده و مستمر در بیانات اهل بیت علیهم السلام دارد. بر پایه احادیث موجود، تقریباً سیر تاریخی صدور این روایات در حدیث شیعه، از امام علی علیه السلام شروع و به امام رضا علیه السلام ختم می‌شود.<sup>۲۸</sup> البته این بدین معنا نیست که بعد از امام هشتم، روایتی از دیگر معصومان صادر نشده است، بلکه صحیح‌ترین است که بگوییم مطابق اسناد و مدارک موجود، روایاتی از این معصومان به دست ما نرسیده است و چه بسا روایاتی از آن حضرات در دست استناد، استشهاد یا تفسیر و تطبیق آیه وراثت کتاب صادره شده باشد. در این میان، بیشترین روایات تفسیری آیه وراثت کتاب از امام باقر علیه السلام و سپس از امام صادق علیه السلام است.<sup>۲۹</sup> روایتی از امام سجاد علیه السلام و دو روایت از امام علی علیه السلام با طریق اهل سنت در تفسیر آن گزارش شده است.<sup>۳۰</sup> در میان روایات، حدیث امام رضا علیه السلام در مناظره با دانشمندان اهل سنت در مجلس مأمون، مفصل‌ترین و روشن‌ترین روایت در تبیین و تفسیر مدلول آیه وراثت است.

#### نقل در جوامع حدیثی - تفسیری کهن امامیه

به دلیل تکثر و تعدد روایات تفسیرگر آیه وراثت، محدثان امامیه در جوامع حدیثی متقدم و اولیه، باب مستقلی را به گزارش آنها اختصاص داده‌اند. ابن شعبه حرانی روایاتی را ذیل باب اختصاصی «و من کلامه علیه السلام فی الاصطفاء» در تفسیر آیه مذکور از امام رضا علیه السلام گزارش کرده است.<sup>۳۱</sup> گاه تنها در یک کتاب حدیثی همانند *بصائر الدرجات* ذیل باب «فی الأئمة علیهم السلام انهم الذین قال الله

ص ۲۷۷ - ۲۷۸.

۲۶. *تحف العقول*، ص ۴۲۵ - ۴۲۶؛ *الأملی*، ص ۶۱۵ - ۶۱۷.

۲۷. به اختصار در ادامه از آیات سی و یک و سی و دو سوره فاطر به آیه وراثت کتاب یاد می‌کنیم.

۲۸. البته تا جایی که جستجو شد، روایتی از امام حسن علیه السلام و امام حسین علیه السلام در این موضوع یافت نشد.

۲۹. *بصائر الدرجات*، ص ۶۴ - ۶۸؛ *الکافی*، ج ۱، ص ۲۱۴ - ۲۱۵.

۳۰. *غایه المرام و حجة الخصام فی تعیین الامام من طریق الخاص و العام*، ج ۴، ص ۳۶.

۳۱. *تحف العقول*، ص ۴۲۵ - ۴۲۶.

فیهم انہم أورثہم الکتاب و انہم السابقون بالخیرات» شمارگان روایات تفسیرگر آیه وراثت کتاب بہ بیست روایت رسیدہ است.<sup>۳۲</sup> کلینی نیز در اصول الکافی، باب «فی ان من اصطفاه اللہ من عباده و اورثہم کتابہ ہم الأئمۃ علیہم السلام» را بہ ہمین امر اختصاص دادہ است.<sup>۳۳</sup> شیخ صدوق نیز در آثار متعدد روایی خود همچون کمال الدین و تمام النعمۃ،<sup>۳۴</sup> عین اخبار الرضا علیہ السلام،<sup>۳۵</sup> معانی الأخبار،<sup>۳۶</sup> احادیث مرتبط با این آیہ را گزارش کردہ و در اثر کلامی خود الاعتقادات - کہ بہ مشرب نقلی در بیان اعتقادات امامیہ نگاشته است - وراثت کتاب از سوی امامان را از اعتقادات شیعیہ دانستہ و مفاد آن را بہ روایات ذیل آیہ وراثت کتاب استناد دادہ است.<sup>۳۷</sup> با بازیابی برخی از اصول اولیہ روایی امامیہ نیز احادیثی از تفسیر این آیہ ہم اکنون بہ دست ما رسیدہ است.<sup>۳۸</sup> در تفاسیر ماثور متقدم نیز روایات تفسیری متعددی ذیل آیہ گزارش شدہ،<sup>۳۹</sup> و حویزی آنها را یکجا گرد آورده است.<sup>۴۰</sup> سید ہاشم بحرانی نیز در غایۃ المرام ضمن اختصاص بابی مستقل بہ گزارش روایات تفسیری آیہ وراثت، دو روایت از آنها را منقول از امام علی علیہ السلام از طریق عامہ و ہجدہ روایت دیگر را منقول از خاصہ دانستہ است.<sup>۴۱</sup> در دورہ متأخر نیز علامہ مجلسی<sup>۴۲</sup> و شیخ حر عاملی<sup>۴۳</sup> مجموع روایات تفسیرگر آیہ وراثت را در آثار خود گزارش کردہ اند.

#### تواتر معنوی و استفادہ

سید بن طاووس در اعتبارسنجی اسنادی روایات تفسیری آیہ وراثت تأکید دارد کہ مضمون مشترک آنها با بیش از بیست طریق از اہل بیت علیہم السلام نقل شدہ است.<sup>۴۴</sup> میرزای نوری ہمین بیان را

۳۲. بصائر الدرجات، ص ۶۴ - ۶۸.

۳۳. الکافی، ج ۱، ص ۲۱۴ - ۲۱۵.

۳۴. کمال الدین و تمام النعمۃ، ص ۹۷ - ۹۹، ص ۱۱۷.

۳۵. عین اخبار الرضا علیہ السلام ج ۲، ص ۲۳۴، ج ۵.

۳۶. معانی الأخبار، ص ۹۳، باب معنی الآل، ج ۱؛ ص ۱۰۴، باب معنی الظالم لنفسہ، ج ۲.

۳۷. الاعتقادات فی دین الإمامیہ، ص ۱۱۲.

۳۸. الأصول الستہ عشر الثانیہ، ص ۳۰.

۳۹. تفسیر العیاشی، ج ۱، ص ۷۰، ج ۲، ص ۲۶۴؛ تفسیر القمی، ج ۲، ص ۲۰۹؛ تفسیر فرات الکوفی، ص ۱۴۵، ص ۲۴۷ - ۲۵۰.

۴۰. تفسیر نور الثقلین، ج ۴، ص ۳۶۱ - ۳۶۵.

۴۱. در این دو روایت امام در تفسیر المصطفین گفته است: «ہم نحن»، ہنرگزید: غایۃ المرام و حجۃ الخصام فی تعیین الامام من طریق الخاص والعام، ج ۴، ص ۳۶.

۴۲. همان، ج ۴، ص ۳۶ - ۴۳.

۴۳. بحار الانوار، ج ۲۳، ص ۲۱۴ - ۲۱۸، ج ۴۶، ص ۱۸۰ - ۱۸۵.

۴۴. وسائل الشیعہ، ج ۱۸، ص ۴۹، ص ۱۳۹.

۴۵. سمد السمود، ص ۱۰۷ - ۱۰۸.



در تكثر طرق روايات تفسيری آیه وراثت تأييد کرده است.<sup>۴۶</sup> شمارگان روايات تفسيری آیه مذکور در دوره سيد بن طاووس تا حدی بوده است که وی به کثرت آنها تصريح کرده و بعد از گزارش روايات قابل توجهی از آنها، به معرفی برخی از مصادر آنها نیز پرداخته است.<sup>۴۷</sup> علامه طباطبائی نیز در بیان فراوانی روايات شيعه از اهل بيت با تعبير «کثیرة جدا»<sup>۴۸</sup> و در بيان شیوع آنها از عبارت «و هو المأثور عن الصادقين علیهما السلام فی روايات کثیرة مستفیضة»<sup>۴۹</sup> بهره جسته است. امتداد سیر تاریخی نقل این روايات از سوی بیشترین معصومان و بازتاب آنها در اکثر جوامع حدیثی شيعه، نشانه شهرت روايي و تلقی صحت صدور این روايات از سوی قدمای امامیه بوده است. بررسی محتوایی روايات نیز نشان می دهد که همگی آنها وحدت معنایی با یکدیگر دارند و هیچ گونه اختلافی در مفاد و محتوا با یکدیگر ندارند.

بخشی از روايات تفسيری به نقد و ابطال انگاره عمومیت وارثان برگزیده قرآن اختصاص یافته است. از دقت در مجموع روايات اهل بيت علیهم السلام انگاره عمومیت وارثان برگزیده قرآن دچار اشکالات ذیل است:



#### عدم تناسب با بخش پایانی آیه وراثت

اهل بيت با استشهاد به تناسب آیات سی و یک تا سی و سه سوره فاطر، انگاره عمومیت وارثان برگزیده قرآن را مردود دانسته اند. آیات مذکور، وارثان برگزیده خود را اهل بهشت اعلام می کند و در حقیقت یکی از آثار وراثت قرآن را وعده قطعی به بهشتی شدن وارثان بیان می دارد. مطابق روايات و آرای مفسران، این گروه بدون هیچ بازخواستی وارد بهشت خواهند شد. بخش پایانی آیه وراثت «جَنّاتٌ عَدْنٍ یَدْخُلُونَهَا یَحَلُّونَ فیها مِنْ أَسَاوِرٍ مِنْ ذَهَبٍ وَ لُؤْلُؤًا وَ لِبَاسُهُمْ فیها خَرِیرٌ» [در] بهشت های همیشگی [که] به آنها در خواهند آمد. در آنجا با دستبندهایی از زر و مروارید زیور یابند و در آنجا جامه شان پَرِنیان خواهد بود، به این نکته اشاره دارد. بهشتی شدن وارثان، معلول دو عامل عدم ظلم و پیشتازی در خیرات است که شایستگی برگزیدگی وراثت کتاب را برای آنان فراهم کرده است که در آیه قبلی به آندو اشاره شده است؛ عموم افراد امت اسلامی فاقد دو شرط عدم ظلم و پیشتازی در خیرات هستند. از این رو تضمین قطعی برای بهشتی شدن همه آنان وجود ندارد. البته این سخن به معنای جهنمی شدن آنها نیست و ممکن است بعد از درنگی کوتاه یا طولانی در جهنم یا در اثر شفاعت و لطف الهی وارد بهشت بشوند. روشن است که این گونه

۴۶. مستدرک الوسائل، ج ۱۷، ص ۳۴۲-۳۴۳.

۴۷. سمد السعود، ص ۷۹-۸۰، ص ۱۰۸-۱۰۷.

۴۸. المیزان، ج ۱۷، ص ۵۰.

۴۹. همان، ج ۱۷، ص ۴۴-۴۵.

بهشتی شدن با تضمین قطعی ورود به بهشت از سوی خداوند تفاوت ماهوی دارد. آیات متعددی از قرآن به امکان انحراف افراد امت اسلامی اشاره دارند که در اثر انحراف از حق و ظلم به نفس ورود بدون بازخواست آنان به بهشت را منتفی می‌سازد. در نتیجه، عام دانستن وارثان برگزیده با بخش پایانی آیه وراثت تناسبی ندارد و تضمین بهشتی شدن وارثان از سوی خداوند به طور قطع احتمال عمومیت وارثان را منتفی می‌کند. یادکرد این تضمین در پایان آیه وراثت کتاب از دو جهت حایز اهمیت است.

اول: وارثان برگزیده عملی را که سبب محرومیت از بهشت بشود، انجام نمی‌دهند و این به دلیل ویژگی‌های شخصیتی، علمی و معنوی آنان است.

دوم: بهشت، اجر معنوی و وظیفه وراثت کتاب است و خداوند با اخبار از آن دستیابی وارثان حقیقی قرآن به اجرشان را تضمین کرده است. این اشکال حداقل در نقدهای امام سجاد علیه السلام، امام رضا علیه السلام آمده است.

#### تردید افراد امت اسلامی در تحصیل وراثت کتاب

تردید در صحت وراثت عام قرآن و خوف افراد امت اسلامی از عدم قطع برای ورود به بهشت خود نشانه‌ای بر عدم اطمینان آنان در تحصیل ویژگی وراثت کتاب در آنهاست. تردید مذکور، معلول جهل و عدم آگاهی کامل آنان از مقصود خداوند است. این امر کاملاً طبیعی است که فردی با چنین ویژگی شخصیتی همواره در دل خود تردید و خوف داشته باشد و در دستیابی به حقیقت آیه وراثت خود را نیازمند به عترت بداند. اهل بیت به همین تردید و عدم اطمینان مخاطبان به عنوان یک نشانه روانشناختی در نقد انگاره عمومیت وارثان برگزیده قرآن استناد جسته‌اند. این اشکال در روایت امام باقر علیه السلام در نقد دیدگاه کوفیان گزارش شده است <sup>۵۱</sup>.

۵۰. یقولون: إنَّهَا نَزَّلَتْ فِي أُمَّةٍ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَقَالَ: عَلَى بَنِي الْحُسَيْنِ: أُمَّةٌ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ إِذَا فِي الْجَنَّةِ!!! على بن حسين عليه السلام فرمود: در این صورت باید همه امت محمد صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ به بهشت وارد شوند و از صالحان باشند و احدی مجازات نشود (تفسیر *آیة حمزة الثمالی*، ص ۲۷۷ - ۲۷۸).

۵۱. قَالَ لَهُ الرَّضَا عَلَيْهِ السَّلَام: إِنَّهُ لَوْ أَرَادَ الْأُمَّةَ لَكَانَتْ أَجْمَعَهَا فِي الْجَنَّةِ لِقَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ فَمِنْهُمْ ظَالِمٌ لِنَفْسِهِ وَمِنْهُمْ مُقْتَصِدٌ وَمِنْهُمْ سَابِقٌ بِالْخَيْرَاتِ يُأْتِي اللَّهَ بِذَلِكَ هُوَ الْفَضْلُ الْكَبِيرُ، ثُمَّ جَمَعَهُمْ كُلَّهُمْ فِي الْجَنَّةِ، فَقَالَ عَزَّ وَجَلَّ: «جَنَاتٌ غَدَنٌ يَدْخُلُونَهَا يَخْلُقُونَ فِيهَا مِنْ أَسَاوِرٍ مِنْ ذَهَبٍ...» امام رضا علیه السلام فرمود: اگر همه امت مقصود باشد، باید همه اهل بهشت باشند؛ چون خدا دنبالش می‌فرماید برخی ظالم به نفس باشند و برخی میانه‌رو و بعضی سابق بالخیرات به اذن خدا و این همان فضل بزرگ است و سپس همه را در بهشت جمع کرده و فرمود: «به بهشت عدنی که در آن درآیند و دست بندهای طلا پوشند...» (تحف العقول، ص ۴۲۵ - ۴۲۶؛ الأملی، ص ۶۱۵ - ۶۱۷).

۵۲. عَنْ أَبِي إِسْحَاقَ الشَّيْبَانِيِّ قَالَ: خَرَجْتُ حَاجًّا فَلَقِيتُ مُحَمَّدَ بْنَ عَلِيٍّ فَسَأَلْتُهُ عَنِ هَذِهِ آيَةِ «وَمَنْ أَوْرَثْنَا الْكِتَابَ...» فَقَالَ: مَا يَقُولُ فِيهَا قَوْمٌ كَآبَا إِسْحَاقَ! يَجِبِي أَهْلُ الْكُوفَةِ؟ قَالَ: قُلْتُ: يَقُولُونَ إِنَّهَا لَهُمْ. قَالَ: فَمَا يَخْتَوِفُهُمْ إِذَا كَانُوا مِنْ أَهْلِ الْجَنَّةِ؟ قُلْتُ: فَمَا تَقُولُ أَنْتَ جِبِلْتُ فِدَاكَ؟ فَقَالَ: هِيَ لَنَا خَاصَّةٌ يَا أَبَا إِسْحَاقَ...! از ابای اسحاق سبعی نقل شده است که

### وجود قول مخالف از میان امت اسلامی

انگاره عمومیت وارثان قرآن ادعا دارد که تمام افراد امت اسلامی وارث قرآن هستند؛ یعنی قرآن به آنان به ارث رسیده و همگی شناخت کافی و لازم برای بهره وی از آن را دارند. حال در میان همین امت اسلامی جریانی شاخص و نزدیک به شخص آورنده قرآن، پیامبر ﷺ، به شدت مخالف با این عمومیت است. جریان شاخص، عترت پیامبر ﷺ است که همواره تاریخ از زمان پدیداری این نگره با آن مخالفت کرده است. این در حالی است که افراد عترت، خود از افراد برجسته و صالح امت اسلامی بوده و تضمیناتی چون حدیث ثقلین از سوی پیامبر ﷺ در باره آنان صادر شده است.

اهل بیت ﷺ در بیان مخالفت خود با انگاره عمومیت وارثان قرآن، از دو اسلوب تلویحی و تصریحی بهره جسته‌اند. برای اسلوب تلویحی می‌توان به روایات انتقادی و بیان اشکالات انگاره مذکور از سوی عترت مثال زد. مفهوم این روایات، مخالفت معصومان با مفاد انگاره است. مقصود از اسلوب تصریحی، نفی آشکار صحت انگاره از سوی عترت است؛ برای مثال عبارت «لَا أَقُولُ كَمَا قَالُوا وَ لَكِنِّي أَقُولُ أَرَادَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ بِذَلِكَ الْعِثْرَةَ الظَّاهِرَةَ»؛ امام رضا ﷺ فرمود: من هم عقیده آنها نیستم، بلکه می‌گویم مقصود خدا همان عترت طاهره است.<sup>۴۲</sup> در روایت امام رضا ﷺ، نفی صریح و ابطال نگره عمومیت وارثان کتاب است. در نتیجه با وجود جریانی مخالف چون عترت پیامبر ﷺ، ادعای عمومیت وارثان قرآن به معنای داشتن دانش کامل فهم قرآن، نقض می‌شود.

### اجتهادی و تفسیر به رأی بودن

انگاره عمومیت وارثان کتاب فاقد مستند روایی معتبر از پیامبر ﷺ بوده و جوامع حدیثی و آثار تفسیری مدرسه خلفا حتی فاقد مستندی ضعیف و شاذ از رسول خدا در اثبات مدعای آنان است. در عهد معصومین به طور قطع مخالفان اگر به روایتی معتبر از پیامبر ﷺ در اثبات ادعای عام بودن وارثان دسترسی داشتند، می‌توانستند در مقابل نظر اهل بیت بدان استناد کنند و دیدگاه آنان را به چالش بکشند. فقدان روایت نبوی و سستی ظاهرگرایی مدعیان انگاره مذکور، نشانه آن است که این سخن برآیند تفسیر اجتهادی برخی از صحابه یا تفسیر به رأی عده‌ای از مفسران بوده است که سعی در نادیده انگاشتن نقش عترت نبوی در شناخت قرآن داشته‌اند.

### تطبیق انحصاری وارثان برگزیده بر عترت نبوی

اهل بیت ﷺ در روایاتی دیگر و همچنین در بخش‌هایی از روایات دسته اول، بعد از ابطال

گفت برای حج خارج شدم، حضرت محمد بن علی ﷺ را ملاقات کردم، از این آیه پرسیدم ثُمَّ أَوْثَقْنَا الْكِتَابَ... فرمود: اهل کوفه در تفسیر آیه چه می‌گویند؟ گفتم: می‌گویند آیه در باره آنهاست. فرمود پس از چه می‌ترسند، وقتی اهل بهشت باشند؟ عرض کردم نظر شما چیست؟ فرمود: آیه اختصاص به ما دارد (سند السمود، ص ۱۰۷ - ۱۰۸).

۵۳. تحف العقول، ص ۴۲۵ - ۴۲۶: الامالی، ص ۶۱۵ - ۶۱۷.

عام بودن وارثان قرآن، مقصود خاص خداوند از وارثان برگزیده قرآن را عترت رسول خدا ﷺ بیان کرده‌اند. به سخن دیگر، مقصود الهی در آیه وراثت از وارثان برگزیده قرآن فقط امامان معصوم را شامل می‌شود که در آغاز آنان علی علیه السلام قرار دارد و به ترتیب و به تدریج بر دیگر امامان انطباق پیدا می‌کند. گویی این آیه نیز به سان آیاتی چون مباحله، تطهیر و ولایت، مودت قابل انطباق بر افراد دیگر نیست؛ هر چند آن فرد رابطه نسبی و نژادی با امامان هم داشته باشد. روایات اهل بیت علیهم السلام به دو شیوه منطوقی و عنوان مشیر بر انحصار و انطباق آیه وراثت کتاب در شان عترت دلالت دارند.

#### دلالت منطوقی

تعبیری چون «هی لنا خاصّة»،<sup>۵۴</sup> «فهی فی وُلْدِ عَلِی وَ فَاطِمَةَ علیهم السلام»،<sup>۵۵</sup> «نَزَلَتْ فِینَا أَهْلَ الْبَيْتِ»<sup>۵۶</sup> و گاهی با تأکید مکرر و سه گانه «نَزَلَتْ وَ اللَّهُ فِینَا أَهْلَ الْبَيْتِ - ثَلَاثَ مَرَّاتٍ»<sup>۵۷</sup> دلالت منطوقی بر این اختصاص و انحصار دارند.

#### عنوان مشیر

امام رضا علیه السلام نیز در عبارت «لَا أَقُولُ كَمَا قَالُوا وَ لَكِنِّي أَقُولُ أَرَادَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ بِذَلِكَ الْبَيْتَةَ الظَّاهِرَةَ ... فَصَارَتْ الْوَرَاثَةُ لِلْبَيْتَةِ الظَّاهِرَةِ لَا لِغَيْرِهِمْ» به دلالت مفهومی به سه نکته مهم در تفسیر آیه وراثت کتاب اشاره می‌کنند که یکی از آنها انحصار و اختصاص موضوع آیه در شان عترت نبوی است. سه نکته یاد شده عبارت‌اند از: نفی عمومیت وارثان، اختصاص وراثت به عترت نبوی، قطع در تبیین مراد الهی از آیه. بخش نخست فرمایش ایشان نفی ادعای عالمان سنی حاضر در جلسه مناظره است که ادعای عمومیت وارثان قرآن را داشتند؛ کاربرد لام اختصاص و لای نفی در عبارت «لِلْبَيْتَةِ الظَّاهِرَةِ لَا لِغَيْرِهِمْ» دلالت انحصاری بر وراثت کتاب در شان عترت طاهره را دارد. عترت طاهره عنوان مشیر برای اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم است و در خارج نیز منحصر در افرادی خاص و معین است. همچنین وصف طاهره در این عنوان به دلالت مفهومی (مفهوم وصف) بر فقدان این وصف در عموم امت اسلامی و بیان شرط بودن آن برای وراثت قرآن را دارد که عموم امت جز عترت نبوی فاقد این شرط هستند. تعبیر «أَقُولُ أَرَادَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ بِذَلِكَ» نشانه صریحی بر قطع امام در بیان مراد الهی است. در مقابل این تطبیق انحصاری و ادعای قطع در بیان مراد الهی مأمون و عالمان اهل سنت سکوت نمودند و چنین زبان به تأیید تفسیری رضوی گشودند: «جَزَاكُمْ اللَّهُ أَهْلَ بَيْتِ

۵۴. سعد السمود، ص ۱۰۷ - ۱۰۸.

۵۵. بصائر الدرجات، ص ۶۵.

۵۶. معانی الأخبار، ج ۳، ص ۱۰۵.

۵۷. تفسیر اربع حمزة الشمالي، ص ۲۷۷ - ۲۷۸.

نَبِيكُمْ عَنِ الْأُمَّةِ خَيْرًا فَمَا تَجِدُ الشُّرَحَ وَ النَّبِيَّانَ فِيمَا اشْتَبَهَ عَلَيْنَا إِلَّا عِنْدَكُمْ؛ خدا شما اهل بیت را از امت جزای خیر دهد که ما در هر جا اشتباهی داریم شرح و بیانش را جز نزد شما بدست نیاوریم».<sup>۵۸</sup>

### نشانه‌های وراثان برگزیده قرآن

روایات اهل بیت علیهم‌السلام افزون بر بیان مصادیق وراثان برگزیده قرآن، ویژگی‌های و شاخصه‌های آنان را نیز بیان کرده‌اند که از آنها نیز نوعی انحصار این مقام در شأن امامان شیعه به دست می‌آید. در حقیقت این نشانه‌ها همان شرایط و لوازم وراثت کتاب است که به شکل توصیفی در روایات اهل بیت گزارش شده است تا مخاطب اهل اندیشه با درنگ در فحواهی آن به اولویت و انحصار عترت نبوی در این مقام دست بیابد.

### سبقت در خیرات

اهل بیت در معناشناسی و مصداق‌یابی بخش پایانی آیه سی و دو سوره فاطر «... وَ مِنْهُمْ سَابِقُ بِالْخَيْرَاتِ بِإِذْنِ اللَّهِ؛ برخی از آنان در کارهای نیک به فرمان خدا پیشگام‌اند»، مقصود از «سابقُ بِالْخَيْرَاتِ» را امامان معصوم معرفی کرده‌اند و علی بن ابی طالب علیه‌السلام نخستین مصداق امامان سابق در خیرات است<sup>۵۹</sup> و بعد از ایشان، امامی که از فرزندان علی علیه‌السلام و فاطمه علیها‌السلام باشد، جزء این دسته قرار دارد.<sup>۶۰</sup> عنوان الامام و الشهید در این روایات عناوینی هستند که به عنوان کلمه جانشین «سابقُ بِالْخَيْرَاتِ» از آن استفاده شده است. از دقت در روایات چنین به دست می‌آید که عنوان الامام در باره امامانی به کار رفته است که در عهد معصوم مفسر آیه، وراثت و امامت وی پایان یافته و از دنیا رفته است. مقصود از عنوان الشهید، امام حی و حاضر و دیگر معصومانی است که در دوره‌های بعد وراثت و امامت را عهده دار خواهند شد. از این رو علامه طباطبایی مقصود از عنوان کلی الشهید در این روایات را به قرینه عطف و قراین دیگر شخص امام دانسته است.<sup>۶۱</sup>

### روایات تبیین‌گر «سابقُ بِالْخَيْرَاتِ»

روایات تبیین‌گر «سابقُ بِالْخَيْرَاتِ» دو قسم هستند؛ برخی به نحو موجبه کلیه مقصود از سابق بالخیرات را شخص امام بیان کرده‌اند که شامل ائمه دوازده گانه شیعه است. نشانه متنی این قسم از روایات افزوده شرطی «از فرزندان علی و فاطمه علیهم‌السلام» است. برخی دیگر به صراحت

۵۸. الامالی، ص ۶۱۷.

۵۹. أَمَّا السَّابِقُ بِالْخَيْرَاتِ فَقَلِي نَبِيُّ أَبِي طَالِبٍ وَ الْحَسَنُ وَ الْحُسَيْنُ وَ الشَّهِيدُ مِنْ أَهْلِ الْبَيْتِ... سابق بخیرات علی بن ابی طالب و حسن و حسین و شهید از ما خانواده است (سعد السمرود، ص ۱۰۷ - ۱۰۸).

۶۰. السَّابِقُ بِالْخَيْرَاتِ الْإِمَامُ فِيهِ فِي وَ لِدِ عَلِيٍّ وَ فَاطِمَةَ علیهم‌السلام؛ سابق به خیرات امام است. و امام تنها در فرزندان علی علیه‌السلام و فاطمه علیها‌السلام است (بصائر الدرجات، ص ۶۵).

۶۱. السیران، ج ۱۷، ص ۴۹.

مصادیقی از «سابق بالخیرات» نام برده‌اند که همان اسامی امامان معصوم علیهم‌السلام شیعه هستند. از جمع بندی این دو دست از روایات تبیین‌گر «سابق بالخیرات» به دست می‌آید که مقصود از آن انحصاراً امامان از عترت نبوی هستند و نشانه نژادی آنان این است که از فرزندان امام علی علیه‌السلام از حضرت فاطمه علیها‌السلام باشند؛ یعنی تنها شامل سادات فاطمی هستند و دیگر سادات از خاندان اهل بیت داخل در این عنوان نیستند. از مدلول التزامی روایات این نکته نیز به دست می‌آید، این است که لازمه وراثت کتاب داخل بودن فرد در زمره گروه «سابق بالخیرات» است و لازمه این سبقت در خیرات، طهارت و هدایت یافتگی است که ویژگی انحصاری عترت بوده دیگر مردمان فاقد این دو فضیلت هستند که در ادامه به تبیین آن خواهیم پرداخت. به اجمال در اینجا اشاره می‌شود که تاریخ صدر اسلام گویای این مهم است که عترت نبوی و در رأس آنان امام علی علیه‌السلام پیشتازی در تمامی خیرات را داشته‌اند و به مقتضای احادیث صحیح متفق بین شیعه و سنی، سابق امت اسلامی در اسلام و ایمان و جهاد تنها علی علیه‌السلام بوده است.<sup>۶۲</sup> حاکم حسکانی (م. ۴۷۰ق) کتابی با عنوان *آن علیاً اول من أسلم و سبق اسلامه* تألیف کرده و در *مشاهد التنزیل* از آن یاد کرده است.<sup>۶۳</sup>

#### علم سرشار و بی‌نیازی از پرسش

به طور طبیعی و منطقی به ارث بردن هر شیء مادی و معنوی اقتضا می‌کند که فرد وارث، در اثر وراثت، دارندگی و توانایی مادی و معنوی خاصی پیدا کرده باشد و در موقع نیاز از آن بهره بجوید. منطقی می‌نماید که توان و حال مادی معنوی پیش از وراثت شخص وارث با توان و حال بعد از وراثت تفاوت پیدا کرده باشد و در او قوه و توانی خاص ایجاد نموده باشد که پیشتر آن را فاقد بوده است. صرف ادعای وراثت و عنوان وارث را با خود همراه داشتن دردی را دوا نمی‌کند و بیشتر به سراب می‌ماند تا حقیقت توارث؛ چرا که با ادعا چیزی ثابت نمی‌شود و نیازمند ادله اثباتی است. اگر عموم امت اسلامی، و در رأس آن جریان‌های شاخص علمی آن چون صحابه، دارنده مقام وراثت قرآن بودند، باید تاکنون این فضیلت را چنان در بوق و کرنا می‌کردند و در تاریخ آن را چنان شهره می‌نمودند که احدی را یارای مخالفت با آن نمی‌بود؛ لکن تاریخ خلاف این را گزارش کرده و عترت از اهل بیت پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم را مخالفان سرسخت و جدی داعیه‌داران وراثت معرفی کرده است که با اندکی تلنگری از سوی اهل بیت علیهم‌السلام، پوشالی و تو خالی بودن ادعای وراثت کاذب آنان آشکار شده است. آنچه مانع اصلی داعیه‌داران در ادعای وراثت قرآن بوده است، نداشتن دانش کافی در فهم قرآن است؛ به گونه‌ای که در فهم آن نیازمند به پرسش از غیر نباشند و با وجود چنین احاطه‌ای به قرآن - که از جامعیت و جاودانگی برخوردار است - نیازی به روش‌های ظنی و

۶۲. تشیید المراجعات و تفتیید المکابرات (۱۵)، ج ۵۹، ص ۶۲.

۶۳. اهل‌البيت علیهم‌السلام مکتبه العربیة، ص ۵۸.

قیاسی پیدا نکنند و در بیان احکام الهی دچار تناقض و اختلاف نشوند. در غیر این صورت یا ادعای وراثت‌شان کاذب است یا قرآن را چنین توانی در پاسخگویی به نیازها و پرسش‌ها نبوده است که سراغ ظن و قیاس رفته و سر از اختلاف آرا و انظار در آورده‌اند. فرض عدم جامعیت قرآن در پاسخگویی به نیازها و مسائل باطل است و بطلان آن مقبول عموم امت اسلامی است، پس آنچه می‌ماند و چاره‌ای جز آن نیست، فرض نخست است که مانع اصلی و تامه در عدم لیاقت عموم امت حتی گروه شاخص آن، در دستیابی به مقام وراثت قرآن است و آن فقدان دانش سرشار در شناخت قرآن نزد آنان است. بدهت این دلیل تا حدی است که عقل آدمی آن را درک و درستی آن را تأیید می‌کند. در برخی از روایات اهل بیت علیهم‌السلام غیرمستقیم به این دلیل عقلی به عنوان نشانه وراثان راستین قرآن اشاره شده و تأکید شده است که وراثان قرآن نیازی به پرسش از احدی در امور دینی نداشتند؛ در حالی که خود مرجع پرسش دیگران بوده‌اند؛ از جمله در روایتی آمده است:

... أَنْ عَلِيًّا كَانَ أَوْلَى بِرَسُولِ اللَّهِ مِنْ غَيْرِهِ لِأَنَّهُ كَانَ أَخُوهُ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ، لِأَنَّهُ حَازَمٌ مِي رَأْتُهُ وَ سِلَاحُهُ وَ مَتَاعُهُ وَ بَغْلَتُهُ الشَّهْبَاءُ وَ جَمِيعَ مَا تَرَكَ، وَ وَرِثَ كِتَابَهُ مِنْ بَعْدِهِ قَالَ اللَّهُ تَعَالَى: «ثُمَّ أَوْرَثْنَا الْكِتَابَ الَّذِينَ اصْطَفَيْنَا مِنْ عِبَادِنَا»، وَ هُوَ الْقُرْآنُ كُلُّهُ نَزَلَ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ ﷺ وَ كَانَ يَعْلَمُ النَّاسَ مِنْ بَعْدِ النَّبِيِّ وَ لَمْ يَعْلَمَهُ أَحَدٌ وَ كَانَ يَسْتَلُّ وَ لَا يَسْأَلُ أَحَدًا عَنْ شَيْءٍ مِنْ دِينِ اللَّهِ: <sup>۶۴</sup>

همانا علی علیه‌السلام به رسول الله صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم از هر کسی دیگری نزدیک‌تر بود؛ چرا که علی علیه‌السلام برادر پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم در دنیا و آخرت است و علی علیه‌السلام است که میراث پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم را به ارث برد. همچنین سلاح، متاع، مرکب ایشان به نام شهباء و همه ماترک ایشان را به ارث برد. و کتاب پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم را بعد از رحلت ایشان، علی علیه‌السلام به ارث برد آن گونه که خداوند می‌فرماید: «این کتاب را به بندگان برگزیده خود به ارث دادیم». و مقصود از کتاب قرآن است که تمام آن بر پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم نازل شد. علی علیه‌السلام بعد از پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم به مردمان علم می‌آموخت، در حالی احدی چیزی به وی نیاموخت، و همواره از علی علیه‌السلام سؤال می‌شد، در حالی وی از احدی در باره امری از مسائل دینی سؤال نمی‌کرد.

در بخش دوم روایت، با استناد به آیه وراثت کتاب و وجود دانش آن نزد علی علیه‌السلام برای ایشان دانشی بیان شده است که وی از هر گونه سؤال از غیر در امور دینی بی‌نیاز می‌کرده است و این همان وراثت حقیقی قرآن است. البته آن گونه که گذشت، طبیعت توارث نیز خود سنجه‌ای بر آزمون مدعیان راستین وراثت از مدعیان غیر حقیقی است.

#### طهارت و هدایت یافتگی

در بخشی از روایت رضوی در مناظره با عالمان اهل سنت، امام رضا علیه‌السلام به طهارت و هدایت

۶۴. سنن الإمام علی علیه‌السلام، ص ۵۲.

یافتگی به عنوان دو ویژگی ضروری وراثان کتاب اشاره می‌کند که از میان امت تنها عترت نبوی آنها را دارا بوده و دیگر افراد امت اسلامی فاقد این ویژگی‌ها هستند. حضرت رضا علیه السلام در تبیین این ویژگی‌ها با بهره‌گیری از روش تفسیر قرآن با روایت، به طهارت و هدایت یافتگی به عنوان دو پیش شرط قرآنی برای داعیه داران وراثت تاکید نمود<sup>۶۵</sup> و با استناد به آیات قرآن پنداره عالمان اهل سنت را به چالش کشاند و تضاد ادعای آنان با قرآن را به اثبات رساند. شرط طهارت را حضرت رضا علیه السلام در پاسخ به پرسش مأمون که عترت طاهره چه کسانی هستند، با استناد به آیه تطهیر و حدیث ثقلین پاسخ داد؛<sup>۶۶</sup> «از آیه تطهیر برای اثبات طهارت اهل بیت و از حدیث ثقلین برای اثبات کارآمدی طهارت در شناخت کتاب و سنت و تعیین مصادیق خارجی افراد عترت بهره‌جسته‌اند. از ظاهر استدلال رضوی بر می‌آید که طهارت شرط تک تک افراد عترت یاد شده در حدیث ثقلین است که داناترین مردمان به کتاب خداوند هستند و میان آنان و قرآن تا قیامت جدایی وجود ندارد. همچنین از پیوند آیه تطهیر و حدیث ثقلین در استدلال ایشان به دست می‌آید که طهارت شرط وراثت کتاب و سنت نبوی است و بدون آن امکان توارث منتفی است و در فرد طهارت نایافته امکان خطا و لغزش وجود در فهم وجود دارد و خود نیازمند هدایت است؛ عقلاً سازماندهی نیست که چنین کسی، وارث مقام مهم و حساسی چون وراثت کتاب و سنت باشد.

حضرت رضا علیه السلام در ادامه، ضمن تذکر عالمان اهل سنت به دست شستن از تقلید، تعصب و تاکید بر قرآن محوری در اندیشه‌ها،<sup>۶۷</sup> با بهره‌گیری از آیات «وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا نُوحًا وَإِبْرَاهِيمَ وَجَعَلْنَا فِي ذُرِّيَّتِهِمَا النَّبُوَّةَ وَالْكِتَابَ فَمِنْهُمْ مُهْتَدٍ وَ كَثِيرٌ مِنْهُمْ فَيَسْقُونَ» و «يَا نُوحُ ... إِنَّهُ عَمَلٌ غَيْرُ صَالِحٍ فَلَا تَسْتَلِي مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ إِنِّي أَعِظُكَ أَنْ تَكُونَ مِنَ الْجَاهِلِينَ» به پیش شرط هدایت یافتگی وراثان اشاره می‌کند و از مجموع آن دو نتیجه می‌گیرد که نبوت و وراثت کتاب مخصوص اهل

۶۵. أَمَا عَلِمْتُمْ أَنَّهُ وَقَعَتِ الْوَرَاثَةُ وَالظَّهَارَةُ عَلَى الْمُضْطَفِّينَ الْمُهْتَدِينَ دُونَ سَائِرِهِمْ؛ وای بر شما! کجا می‌برند شما را از قرآن رو گردانید یا اسراف‌کارید، آیا نمی‌دانید که وراثت و طهارت مخصوص برگزیدگان رهیابست نه دیگران (تحف‌المقرول، ص ۴۲۵ - ۴۲۶؛ الأملی، ص ۶۱۵ - ۶۱۷).

۶۶. فَقَالَ الرَّضَا علیه السلام: الَّذِينَ وَصَّفَهُمُ اللَّهُ فِي كِتَابِهِ فَقَالَ عَزَّ وَجَلَّ إِنَّمَا يَرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمْ الرِّجْسَ أَهْلَ النَّبِيِّتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا وَ هُمُ الَّذِينَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله إِنِّي مُخَلِّفٌ فِيكُمْ الثَّقَلَيْنِ كِتَابَ اللَّهِ وَ عِزَّتِي أَهْلَ بَيْتِي أَلَا وَ إِنَّهُمَا لَنْ يَفْتَرِقَا حَتَّى يَرِدَا عَلَى الْحَوْضِ فَانظُرُوا كَيْفَ تَخْلُقُونَ فِيهِمَا أَيُّهَا النَّاسُ لَا تَعْلَمُوهُمْ فَإِنَّهُمْ فَأَنْتُمْ مَعَكُمْ؛ حضرت رضا علیه السلام فرمود: عترت انانی هستند که خدا در قرآن وصفشان کرده و فرموده: همانا خدا می‌خواهد پلیدی را از شما خاندان ببرد و به خوبی پاکتان کند. و هم آنان‌اند که رسول خدا صلی الله علیه و آله در باره‌شان فرمود من در میان شما دو ثقل را بر جا می‌گذارم کتاب خدا و خاندانم که اهل بیت من‌اند و این دو از هم جدا نشوند تا سر حوض بر من درآیند. شما بنگرید چگونه با آنها هستی بعد از من! ای مردم، به آنها نیاموزید، زیرا آنها از شما داناترند (تحف‌المقرول، ص ۴۲۵ - ۴۲۶؛ الأملی، ص ۶۱۵ - ۶۱۷).

۶۷. وَيُخَكِّمُ آيِنَ يَذْهَبُ بِكُمْ أَشْرَبْتُمْ عَنِ الذِّكْرِ صَفْحًا أَمْ أَنْتُمْ قَوْمٌ مُنْزِفُونَ...؛ وای بر شما کجا می‌برند شما را از قرآن رو گردانید یا اسراف‌کارید (تحف‌المقرول، ص ۴۲۵ - ۴۲۶؛ الأملی، ص ۶۱۵ - ۶۱۷).



هدایت است، نه فاسقان؛ هر چند که فرد مدعی از نزدیکان نسبی انبیا باشد، لکن هدایت یافته نباشد، لیاقت وراثت کتاب را ندارد. امام علیه السلام در حقیقت با استناد به آیات مذکور صرف رابطه نسبی با پیامبر صلی الله علیه و آله را برای احراز مقام وراثت قرآن ناکافی دانست و هر گونه توهّمات رایج در این باره را مردود اعلام کرد. در مقابل، هادیان برگزیده (المُضْطَفِّينَ الْمُهْتَدِينَ<sup>۶۸</sup>) را وارثان حقیقی کتاب معرفی نمود.

کاربرد کلمه الْمُضْطَفِّينَ اشاره به نوعی برگزیدگی خاص دارد که از سوی خداوند انجام می شود و از طریق پیامبر اعلام می گردد. همچنین حضرت با استناد به این آیات، سنّت الهی در گزینش وراثان کتاب و نبوت در انبیاء سلف را گوشزد نمود و وراثت عترت را با آن همانند سازی کرد. در حقیقت، آن امام همام، غیر مستقیم به عالمان اهل سنّت گفت چطور وارثانی هستید که از به ارث برده خود آگاهی ندارید؟ شما اگر وارثان حقیقی این کتاب هستید، چرا از مقصود آیاتش آگاه نیستید؟ و پرسش هایی از این دست.

#### آستان آمرزش، کشتی نجات، پناهگاه امت اسلامی

در برخی از روایات بعد از تأکید بر انحصار آیه وراثت در شأن عترت، توصیفات از منزلت معنوی و ملکوتی عترت در میان امت تصویر شده است که نمودها و نشانه هایی از آثار وراثت کتاب در باره عترت است. از جمله این روایات سخنی از امام باقر علیه السلام در پاسخ به پرسش ابا اسحاق سبعی از حقیقت آیه وراثت است که حضرت پس از تأکید بر اختصاص آیه در شأن اهل بیت، مقام وراثان قرآن را چنین توصیف می کند:

... ابا اسحاق، به وسیله ما خدا عیب و ننگ را از شما برطرف نمود و به واسطه ما رشته خواری و ذلت را از گردن شما برداشته و به وسیله ما خدا گناهانتان را می بخشد؛ به ما می گشاید و به ما ختم می کند؛ نه به وسیله شما؛ ما پناهگاه شما هستیم؛ هم چون غار اصحاب و کهف و کشتی نجات شماییم؛ مانند کشتی نوح و درب حطه شما هستیم؛ مانند باب حطه بنی اسرائیل.<sup>۶۹</sup>

در این روایت ویژگی های شخصیتی و اوصاف وجودی یاد شده با روایات نبوی چون حدیث سفینه، باب حطه، کهف ... در تبیین منزلت اهل بیت در میان امت اسلامی دارد. در حقیقت امام باقر علیه السلام بین گروه سابقان بالخیرات و عترت نبوی قایل به این همانی شده و به صورت تلویحی،

۶۸. تحف المعول، ص ۴۲۵ - ۴۲۶؛ الأملی، ص ۶۱۵ - ۶۱۷.

۶۹. یا ابا اسحاق! بنا یفکک الله عبودکم، و بنا یجل الله رباک الدلّی من أعتاقکم، و بنا یغفر الله ذنوبکم، و بنا یفتح الله، و بنا یختم لا یکم، و نحن کهفکم كأصحاب الکهف، و نحن سفینتکم کسفینة نوح، و نحن باب حطتکم کتاب جظة بنی اسرائیل (سمد السمود، ص ۱۰۷ - ۱۰۸).

تفسیری نبوی از این آیه را بیان کرده است. روایات نبوی استناد شده همگی در یک چیز مشترک هستند و آن این که عترت نبوی به فرمایش خود پیامبر ﷺ به سان کشتی نوح مایه نجات و هدایت امت اسلامی است و باید در تاریکی‌ها و گمراهی‌ها به آن تمسک جست. از جمله این تمسک‌ها بهره جستن از نظر آنان در شناخت قرآن است؛ مخصوصاً در مواردی که محل اختلاف است. این روایات به طور ضمنی دانش و اشراف عترت به کتاب و سنت نبوی را اثبات می‌کنند در غیر این صورت توصیه نبوی به تمسک بر آنان لغو و باطل خواهد بود. باب حطه همان دروازه اریحا یا بیت المقدس بود که بنی اسرائیل باید با فروتنی و آمرزش خواهی وارد آن می‌شدند. امت اسلامی نیز باید با تواضع به مودت اهل بیت متمسک و متوسل شوند تا از رحمت و آمرزش پروردگار بهره مند گردند.<sup>۷۰</sup>

#### اسقامت و عدم تساهل در تبلیغ دین

در برخی از روایات کارکرد اجتماعی وارثان قرآن در عرصه‌های حیات جمعی مسلمین بازگو شده است. در تبیین این بُعد از رسالت وارثان به وظایفی چون دعوت به صراط الهی، امر به معروف و نهی از منکر، عدم حمایت از گمراهان و خائنان،<sup>۷۱</sup> و جهاد حماسی در دعوت به خدا<sup>۷۲</sup> اشاره شده است. مجموعه ویژگی‌های یاد شده بر استقامت وارثان کتاب در دعوت به سوی حق و عدم تساهل آنان در این مسیر دلالت دارند و خود معیارها و نشانه‌هایی برای شناخت آنان در گستره تاریخ اسلام به شمار می‌آیند. روشن است که توصیفات گفته شده برای وارثان تنها در پرتو شناخت صحیح آنان از کتاب و سنت نبوی حاصل می‌شود و الا ممکن است به جای صراط الهی مردمان را به سوی گمراهی هدایت کنند. بر همین اساس محققان امامیه بر این نکته تأکید دارند که عموماً روایات متکثر دلالت دارند که امام از طریق قرآن بر همه چیز اشراف علمی دارد و آن را از قرآن استخراج می‌کند.<sup>۷۳</sup> بدون چنین معرفتی از کتاب و سنت هر نوع فراخوانی به سوی حق، گام نهادن در وادی ضلالت خواهد بود، همان گونه که امام صادق علیه السلام عملکرد برخی از این مدعیان اصلاحگر از فاطمیان را نقد و طرد نمود.

#### نقد فاطمیان

شایان ذکر است برخی از گروه‌های داخلی شیعه در عهد معصومین علیهم السلام سعی در انحصار آیه وراثت کتاب در شأن فاطمیین (عموم فرزندان فاطمه علیها السلام) داشتند که با نفی و ابطال معصومان رو

۷۰. خلافت و ولایت از نظر قرآن و سنت، ص ۲۲۳.

۷۱. معانی الأخیار، باب معنی الظالم لنفسه والمقتصد والسابق، ج ۳، ص ۱۰۵.

۷۲. تفسیر آیه حمزة الثمالی، ص ۲۷۷ - ۲۷۸.

۷۳. مکمال المکارم، ص ۳۲۲.

به رو شدند. این نگره بعد از امام سجاد علیه السلام توسط زیدیه مطرح شد. امام صادق علیه السلام در گفتگوی با سلیمان بن خالد<sup>۷۴</sup> که روزگاری از طرفدارن زید بن علی علیه السلام بود و بر اختصاص آیه در شأن عموم فاطمیان نظر داشت، مهر بطلان بر این ادعا زد و با ارائه مختصات شخصیتی وراثان برگزیده قرآن، فاطمیان را از شمول موضوع آیه از باب تخصص خارج دانست.<sup>۷۵</sup> شارحان تعبیر امام صادق علیه السلام «لَيْسَ حَيْثُ تَذْهَبُ لَيْسَ يَدْخُلُ فِي هَذَا مَنْ أَشَارَ بِسَيْفِهِ وَ دَعَا النَّاسَ إِلَى خِلَافٍ؛ چنان که تو پنداری نیست، کسی که شمشیر کشد و مردم را به مخالفت دعوت کند، در این آیه داخل نیست». خطاب به سلیمان بن خالد را دال بر عدم اطلاق نزول آیه وراثت کتاب در شأن همه فرزندان فاطمه علیها السلام دانسته و در تبیین مقصود امام چنین گفته‌اند:

گویی امام چنین فرموده است که اگر آیه به طور مطلق شامل فاطمیان می‌شد لازم می‌آمد که هر کسی از فرزندان فاطمه علیها السلام که شمشیر از نیام بر کشیده و مردم را به گمراهی و خلاف حق فرا می‌خواند، داخل در افراد آیه وراثت کتاب باشد حال آن که این گونه نیست و آیه مذکور در شأن کسانی نازل شده است که مردمان را به امر الهی به سوی خداوند و دین حق راهنمایی می‌کنند و آنان علی علیه السلام و بعضی از فرزندان فاطمه علیها السلام هستند.<sup>۷۶</sup>

با توجه به آنچه گذشت حدیث پژوهان امامیه تأکید دارند که روایات مذکور دلالت بر اختصاص آیه وراثت در شأن فرزندان فاطمه علیها السلام دارند<sup>۷۷</sup> و مراد از وراثان برگزیده کتاب، ذریه پیامبر صلی الله علیه و آله از فرزندان فاطمه علیها السلام است.<sup>۷۸</sup> اخباریان امامیه نیز چنین انحصار و اختصاصی را از آیه استنباط کرده‌اند<sup>۷۹</sup> و تحت تأثیر همین روایات در عدم جواز استنباط احکام از غیر ظواهر قرآن به

۷۴. نجاشی در توصیف وی چنین آورده است: «كان قارناً فقيهاً وجهاً روى عن أبي عبد الله و أبي جعفر علیهما السلام و خرج مع زيد و لم يخرج معه من أصحاب أبي جعفر علیهما السلام غيره فقطعت يده و كان الذي قطعها يوسف بن عمر بنفسه و مات في حياة أبي عبد الله علیهما السلام فتوجع لفقده و دعا لولده و أوصى بهم أصحابه» (رجال النجاشی، ص ۱۸۲). همین مضمون در دیگر منابع رجالی امامیه تکرار شده است: (رجال البرقی، ص ۳۲؛ رجال ابن داود، ص ۴۵۹).

۷۵. عن سلیمان بن خالد، عن أبي عبد الله علیه السلام قال: سألتُه عن قولِهِ تَعَالَى: «لَمْ نُؤْتِكُمَا الْكِتَابَ الذِّينِ اسْتَظْفِنَا مِنْ عِبَادِنَا»، فَقَالَ: أَيْ شَيْءٍ تَقُولُونَ أَنْتُمْ؟ قُلْتُ: نَقُولُ إِنَّهَا فِي الْفَاطِمِيِّينَ. قَالَ: لَيْسَ حَيْثُ تَذْهَبُ...؛ سلیمان بن خالد گوید: از امام صادق علیهما السلام در باره قول خدای تعالی «آن گاه این کتاب را به کسانی که از میان بندگان خود انتخاب کرده‌ایم، به ارث دادیم» پرسیدم، فرمود: شما در این باره چه می‌گویید؟ عرض کردم: ما می‌گوییم: این آیه در باره فرزندان فاطمه علیها السلام است. فرمود: چنان که تو پنداری نیست... (الکافی، ج ۱، ص ۲۱۵).

۷۶. شرح أصول الکافی، ج ۵، ص ۲۸۱ - ۲۸۲.

۷۷. سعد السمود، ص ۱۰۷ - ۱۰۸؛ المیزان، ج ۱۷، ص ۵۰.

۷۸. المیزان، ج ۱۷، ص ۴۲ - ۴۵.

۷۹. الحدائق الناظرة، ج ۱، ص ۲۷ - ۲۸.

این آیه استناد جسته اند.<sup>۸۰</sup>

### نکات تکمیلی

شایان ذکر است در بررسی و تحلیل مجموع روایات تفسیرگر آیه وراثت کتاب، نکات ذیل قابل توجه است:

از مجموع روایات تفسیرگر آیه وراثت کتاب، به دست می‌آید که اصطلاحات آل محمد، اهل بیت و ذریه رسول خدا بر افراد غیر معصوم از این خاندان نیز اطلاق می‌شود. این عناوین حتی بر افراد ظالم از این خاندان که به امامت امام زمان خود اقرار نداشته و دیگر ظالمان از این خاندان نیز اطلاق شده است. این افراد به اعتبار این که به پیامبر ﷺ نسبت داده می‌شوند، آل ایشان هستند و به اعتبار این که از طریق ولادت رابطه نسبی با آن حضرت پیدا می‌کنند ذریه و اهل بیت رسول خدا به شمار می‌آیند.<sup>۸۱</sup>

اهل بیت ﷺ و ذریه رسول خدا بر چهار گروه هستند. سه گروه از آنان مورد غفران الهی هستند لکن یک گروه از این لطف محروم هستند و آنان کسانی هستند که شمشیر از نیام بر کشیده و با اسلاف خود مخالفت نموده و در اثر آن از دایره اسلام خارج شده‌اند، چون با ائمه اطهار مخالفت کرده‌اند. این گروه از شمول روایات خارج هستند.<sup>۸۲</sup>

بالجمله تعظیم و تکریم دو گروه سابق بالخیرات (پیشتران در خیرات) و مقتصد (میانه روان) از اهل بیت، به مقتضای امر نبوی در حدیث «أكرموا ذریتی الصالحین لله و الطالحین لی» واجب است؛ چرا که آنان از گروه صالحان هستند. از گروه ظالمان لافسه اگر مقصود کسانی باشند که بعد از شناخت امام زمان خویش، حسنات و سیئاتشان یکسان باشد، یا فردی باشد که گاه عمل صالح و گاه سیئه انجام می‌دهد، داخل در غیر صالحان (الطالحین) خواهد بود. این گروه نیز مورد غفران الهی هستند و اکرام و اعظام آنان به خاطر امر رسول خدا ﷺ واجب است، لکن از گروه ظالمان لافسه اگر مقصود کسانی باشند که جاهل به امام زمان خویش هستند و حق ایشان را نمی‌شناسند، اکرام شان واجب نخواهد بود، حتی اکرام، یاری رساندن و محبت آنان نیز جایز نیست، نه به خاطر خدا و نه به خاطر رسول خدا؛ چرا که این گروه به خاطر عدم معرفت به امام عصر خویش دشمن خدا و پیامبرش شده و از این رو، بغض و اهانیت به آنان واجب است هر چند که از فرقه‌های شیعه امامیه باشد.<sup>۸۳</sup> لکن اگر مقصود از اکرام این گروه، فقط به سبب انتساب آنان به

۸۰. بنگرید: الحدائق الناظره، ج ۱، ص ۲۷-۲۸؛ وسائل الشیعه، ج ۱۸، ص ۴۹، باب وجوب الرجوع فی جمیع الاحکام الی الائمة؛ البیان فی تفسیر القرآن، ص ۲۶۷-۲۷۰.

۸۱. ر. ک: «الفوائد فی تعظیم الفاطمیین»، ص ۳۱۴.

۸۲. ر. ک: همان.

۸۳. همان، ص ۳۱۵-۳۱۶.

رسول خدا باشد از این حیث که اکرام فرزند اکرام پدراست، به اکرام آنان مأمور هستیم. شبیه این مطلب در روایاتی چون «أكرموا الضيف ولو كان كافراً» نیز آمده است. کافر از حیث کفر دشمن مسلمان محسوب می‌شود و شایسته اکرام نیست لکن از حیث مهمان بودن شایستگی این اکرام را پیدا می‌کند.<sup>۸۴</sup>

صریح روایت نبوی «أكرموا ذریتی الصالحین لله و الطالحین لی» بر این نکته دلالت دارد که مراد از ذریه در این روایات مطلق سید علوی فاطمی است. اگر مراد رسول خدا در اینجا تنها ائمه معصومین از ذریه ایشان بود، در این صورت، سخن ایشان فایده‌ای نداشت؛ چرا که در وجوب تعظیم و مودت ائمه معصومین در میان امامیه هیچ اختلافی وجود ندارد و جزئی از ایمان است و آیه مودت و اخباری متعدد نزدیک به تواتر بر این مطلب دلالت دارند.<sup>۸۵</sup> تأکید بر قید علوی در بیان ذریه، دلالت بر انصراف آن از سایر ذراری علوی دارد و این انحصار از آن به دست می‌آید که بزرگداشت و دوستداری تنها به ذریه رسول خدا از اولاد امام علی علیه السلام اختصاص دارد.<sup>۸۶</sup> مقصود از اولاد علوی نیز فرزندان و نوادگان ایشان از فاطمه علیها السلام هستند. بعدها رسول خدا از این ذریه به العلوية الفاطمية یاد کرده‌اند.<sup>۸۷</sup> البته این حکم در باب کسانی که از دایره اسلام خارج شده و به کفر گراییده باشند و همچنین کسانی با مخالفت با ائمه نمایند و آلوده به گناهان شده باشند، جاری نیست و این افراد از عموم ادله و اخبار این باب خارج هستند.<sup>۸۸</sup> همچنین حکم اکرام شامل سادات عقیلی، جعفری و علوی غیر فاطمی نیز نمی‌شود؛ چرا که اینان از ذریه رسول خدا و از زمره القربی در آیه مودت نیستند.<sup>۸۹</sup> در نتیجه، تعظیم و دوست داشتن ذریهٔ نبوی علوی به حکم آیه مودت<sup>۹۰</sup> و روایات متعدد نبوی واجب است.<sup>۹۱</sup>

### نتیجه

مهم‌ترین دلیل اهل بیت علیهم السلام در اثبات حجیت سنت ایشان، بویژه در قرآن شناسی، دلیل وراثت کتاب است. در سایه سار این وراثت علم و عصمت نیز برای آنان ضرورت یافته است. اصل مبنای وراثت در قرآن گزارش و در روایات اهل بیت علیهم السلام مورد توجه و بسط قرار گرفته است. مقصود

۸۴. همان، ص ۳۶۶-۳۶۷.

۸۵. همان، ص ۳۲۴-۳۲۵.

۸۶. همان، ص ۲۰۷-۳۷۵.

۸۷. همان، ص ۳۱۰.

۸۸. همان، ص ۳۱۱.

۸۹. همان، ص ۳۶۷.

۹۰. سوره شوری، آیه ۲۳.

۹۱. همان، ص ۳۰۹.

از وراثت، آگاهی جامع و خطا ناپذیر عترت علیهم السلام از تمامت قرآن و سنت پیامبر صلی الله علیه و آله در تبیین و تعلیم قرآن است که از طریق وراثت به آنان انتقال یافته است. لازمه این آگاهی اعطای فهم و قوه استنباط ویژه و خطا ناپذیری به افراد عترت نبوی است؛ به گونه‌ای که تحصیل آن فراتر از تعلیم و تعلم عادی باشد. مراد از وصف برگزیده نیز انتخابی و انحصاری بودن وراثت از طریق وحی است. انتخاب عترت نبوی به عنوان وارثان قرآن و حیانی و الهی بوده و بر حکمتی خاص استوار است، از این رو، عمومیت بردار و قابل توسعه نیست.

آموزه وراثت کتاب از سوی عترت در مؤلفه‌های نظریه تفسیری امامیه بویژه مؤلفه منبع تفسیر (حجیت سنت اهل بیت)، روش و داوری نتایج تفسیری تأثیرگذار است. شعاع این تأثیر تا حدی است که در مبانی کاربردی مفسران تأثیر ایجابی و سلبی دارد و نوع مبانی کاربردی آنان را از همدیگر متفاوت و حتی متضاد می‌سازد؛ یعنی گستره منابع تفسیری، نوع روش تفسیری و معیارهای سنجش آرای تفسیری مفسر را یکسر متفاوت از دیگران ساخته و حدود و قیودی را برای مفسران در این مولفه‌ها الزام کرده است. به سخن دیگر پذیرش عترت نبوی به عنوان وارثان حقیقی قرآن، الزامات عقلی به همراه دارد که مفسر باید در تفسیر قرآن به این لوازم عقلی، به عنوان معیارها و سنجش‌های تفسیر توجه داشته باشد. از جمله این الزامات، اعتبار آرای تفسیری، توجه به روش تفسیری عترت در چگونگی تبیین آیات و عدم مخالفت رأی مفسر با مجموعه تعالیم قرآنی عترت نبوی است.

متکلمان امامیه با استناد به دلیل عقل ضرورت وراثت کتاب و سنت برای عترت را به اثبات رسانده‌اند که در آیه مذکور ضرورت مذکور از سوی وحی تمهید شده است. متکلمان امامیه از این مبنا با عنوان «ایداع علم الكتاب عند العتره و الاحاطة بالسنة» یاد کرده و آن را دلیلی برهانی و مستفاد از سنت نبوی دانسته‌اند که مطابق آن هیچ‌گونه جدایی بین قرآن و عترت نبوی وجود ندارد و با وجود عترت، تردیدی در شریعت نمی‌ماند و نیازی به کاربرد قیاس در استنباط احکام شرعی پیدا نمی‌شود.

روایات تفسیرگر آیه وراثت کتاب، شاخصه‌های متعددی دارند؛ دو قرن حضور گسترده و مستمر در بیانات اهل بیت علیهم السلام، نقل در جوامع حدیثی - تفسیری کهن امامیه، تواتر معنوی و استفاضه، پرسمانی، جدلی، مناقبی از جمله آنها هستند. این روایات به سه دسته نفی و ابطال انگاره عمومیت وارثان برگزیده قرآن، تطبیق انحصاری وارثان برگزیده بر عترت نبوی، نشانه‌های وارثان برگزیده قرآن تقسیم می‌شوند.

از نظر اهل بیت علیهم السلام انگاره عمومیت وارثان برگزیده قرآن دچار اشکالاتی چون عدم تناسب با بخش پایانی آیه وراثت، تردید افراد امت اسلامی در تحصیل وراثت کتاب، وجود قول مخالف از میان امت اسلامی، اجتهادی و تفسیر به رأی بودن است که در مناظرات اهل بیت به آنها اشاره

شده است.

وراثان برگزیده قرآن نشانه‌هایی دارند: سبقت در خیرات، علم سرشار و بی‌نیازی از پرسش، طهارت و هدایت یافتگی، آستان آمرزش، کشتی نجات، پناهگاه امت اسلامی، اسقامت و عدم تساهل در تبلیغ دین از جمله آنها هستند که تنها در شأن عترت نبوی قابل تطبیق هستند. فاطمیان سعی در انحصار آیهٔ وراثت کتاب در شأن خودشان داشتند؛ این نگره بعد از امام سجاد علیه السلام توسط زیدیه مطرح شد و امام صادق علیه السلام مهر بطلان بر این ادعا زد.

### کتابنامه

- الأصول الستة عشر، عدة محدثین، قم: دار الشبستری للمطبوعات، دوم، ۱۳۶۳ ش.
- الاعتقادات فی دین الإمامیة، محمد بن علی بن بابویه قمی (شیخ صدوق)، تحقیق: عصام عبد السید، بیروت: دارالمفید، ۱۴۱۴ ق.
- الأمالی، محمد بن علی بن بابویه قمی (شیخ صدوق)، قم: مؤسسة البعثة، اول، ۱۴۱۷ ق.
- البیان فی تفسیر القرآن، ابوالقاسم خویی، بیروت: دار الزهراء، چهارم، ۱۳۹۵ ق.
- النبیان، ابو جعفر محمد بن حسن طوسی، تحقیق و تصحیح: أحمد حبیب قصیر العاملی، قم: مطبعة مكتب الإعلام الإسلامی، اول، ۱۴۰۹ ق.
- التفسیر العیاشی، محمد بن مسعود عیاشی، تحقیق: سید هاشم رسولی محلاتی، تهران: مكتبة علمية اسلامية، ۱۳۸۰ ق.
- العداة الناضرة، یوسف بن احمد بحرانی، قم: مؤسسة النشر الإسلامی، اول، ۱۴۰۵ ق.
- الکافی، کلینی، محمد بن یعقوب، تصحیح و تعلیق: علی اکبر غفاری، تهران: دار الکتب الاسلامیة، ۱۳۶۳ ش.
- الکشاف عن حقائق التنزیل وعیون الأقاویل، زمخشری، مصر: شركة مكتبة و مطبعة مصطفى البابي الحلبي وأولاده، ۱۹۶۶ م.
- المیزان فی تفسیر القرآن، محمد حسین طباطبایی، قم: موسسه نشر الاسلامی، پنجم، ۱۴۱۷ ق.
- اهل البيت علیهم السلام فی مكتبة العربية، سید عبدالعزیز طباطبایی، قم: مؤسسة آل البيت لاحیاء التراث، ۱۴۱۷ ق.
- بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار أئمة الأطهار، محمد باقر مجلسی، به کوشش: محمد باقر بهبودی و عبد الرحیم ربانی شیرازی و دیگران، بیروت: مؤسسة الوفاء و دار احیاء التراث العربی، دوم، ۱۴۰۳ ق.
- بصائر الدرجات، محمد بن حسن صفار قمی، تصحیح و تعلیق و تقدیم: حاج میرزا حسن کوچه باغی، تهران: منشورات الأعلمی، ۱۴۰۴ ق.

- تحف العقول عن آل الرسول، ابن شعبه ابو محمد حسن بن علی بن حسین حرانی، به کوشش: علی اکبر غفاری، قم: مؤسسه النشر الاسلامی، دوم، ۱۴۰۴ق.
- تفسیر ابن ابی حاتم الرازی، ابن ابی حاتم الرازی، تحقیق: أسعد محمد الطیب، صیدا: المكتبة العصرية.
- تفسیر ابی حمزة الثمالی، أبو حمزه ثمالی، تحقیق، أعاد جمعه و تألیفه: عبد الرزاق محمد حسین حرز الدین، مراجعة و تقدیم: - شیخ محمد هادی معرفت، اول، قم: الیهادی، ۱۳۷۸ش.
- تفسیر البغوی، حسین بن مسعود فراء بغوی، تحقیق: خالد عبد الرحمن العک، بیروت: دار المعرفة، بی تا.
- تفسیر السمرقندی، أبو اللیث سمرقندی، تحقیق: د. محمود مطرجی، بیروت: دار الفکر، بی تا.
- تفسیر السمعانی، منصور بن محمد سمعانی، تحقیق: یاسر بن ابراهیم و غنیم بن عباس بن غنیم، ریاض: دار الوطن، اول، ۱۹۹۷م.
- تفسیر القمی، علی بن ابراهیم القمی، تحقیق و تصحیح و تعلیق و تقدیم: سید طیب موسوی جزائری، قم: دار الكتاب للطباعة و النشر، سوم، ۱۴۰۴ق.
- تفسیر النسفی، عبدالله بن احمد نسفی، بی تا، بی جا، بی تا.
- تفسیر فرات الكوفی، فرات بن ابراهیم کوفی، تحقیق: محمد الکاظم، تهران: سازمان و انتشارات وزارت ارشاد اسلامی، اول، ۱۴۱۰ق.
- تفسیر مجاهد، مجاهد بن جبر، تحقیق: عبد الرحمن الطاهر بن محمد السورتی، اسلام آباد: مجمع البحوث الإسلامية، بی تا.
- تفسیر مقاتل بن سلیمان، مقاتل بن سلیمان، تحقیق: أحمد فريد، الأولى، بیروت: دار الکتب العلمیة، ۲۰۰۳م.
- تفسیر منهاج الصادقین فی الزام المخالفین، فتح الله کاشانی، مقدمه و پاورقی: ابوالحسن مرتضوی، تهران: انتشارات علمیه اسلامیة، بی تا.
- تفسیر نمونه، ناصر مکارم شیرازی، تهران: دارالکتب الاسلامیة، ۱۳۷۴ش
- تفسیر نور الثقلین، عبد علی بن جمعه عروسی حویزی، تحقیق و تصحیح و تعلیق: سید هاشم رسولی محلاتی، قم: مؤسسه إسماعیلیان، چهارم، ۱۳۷۰ش.
- جامع البیان فی تاویل آی القرآن، محمد بن جریر طبری، تحقیق: الشیخ خلیل المیس، ضبط و توثیق و تخریج: صدقی جمیل العطار، بیروت: دار الفکر للطباعة و النشر و التوزیع، ۱۹۹۵م.
- خلافت و ولایت از نظر قرآن و سنت، محمد تقی شریعتی، تهران: انتشارات حسینیة ارشاد، دوم، ۱۳۵۱ش.



- رجال البرقی، ابوجعفر احمد بن محمد بن خالد برقی، قم: نشر القیوم، بی تا.
- رجال النجاشی، ابوالعباس احمد بن علی بن احمد بن عباس نجاشی، تحقیق: سید موسی شبیری زنجانی، قم: مؤسسه النشر الاسلامی، ۱۴۱۶ق.
- سعد السعود، سید ابن طاووس، قم: منشورات الرضی، ۱۳۶۳ش.
- سنن الإمام علی علیه السلام لجنة الحدیث معهد باقر العلوم علیه السلام، قم: نور السجاد، ۱۳۸۰ش.
- شرح أصول الكافي، ملا محمد صالح مازندرانی، تعليقات: میرزا ابو الحسن شعرانی، ضبط و تصحیح: سید علی عاشور، بیروت: دار احیاء التراث العربی للطباعة و النشر و التوزیع، اول، ۱۴۲۱ق.
- عیون أخبار الرضا علیه السلام، محمد بن علی بن بابویه قمی (شیخ صدوق)، تصحیح و تعلیق: شیخ حسین اعلمی، بیروت: مؤسسه الأعلمی للمطبوعات، ۱۴۰۴ق.
- غایة المرام و حجة الخصام فی تعیین الامام من طریق الخاص و العام، سید هاشم بحرانی، تحقیق: السید علی عاشور، بی نا، بی جا، بی تا.
- کمال الدین و تمام النعمة، محمد بن علی بن بابویه قمی (شیخ صدوق)، تصحیح و تعلیق: علی اکبر غفاری، قم: مؤسسه النشر الاسلامی، ۱۴۰۵ق.
- مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ابوعلی فضل بن حسین طبرسی، تهران: انتشارات ناصر خسرو، سوم، ۱۳۷۲ش.
- مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، میرزا حسین نوری طبرسی، قم: مؤسسه آل البيت (ع) لاحیاء التراث، ۱۴۰۸ق.
- معانی الأخبار، محمد بن علی بن بابویه قمی (شیخ صدوق)، تصحیح و تعلیق: علی اکبر غفاری، قم: مؤسسه النشر الاسلامی، ۱۳۷۳ش.
- مکمال المکارم، میرزا محمد تقی اصفهانی، تحقیق: سید علی عاشور، الأولى، مؤسسه الأعلمی للمطبوعات، بیروت، ۱۴۲۱ق.
- وسائل الشیعة إلى تحصیل مسائل الشریعة، الحرّ العاملی، محمد بن الحسن، تحقیق: جواد الشهرستانی، بیروت: مؤسسه آل البيت علیهم السلام لاحیاء التراث، ۱۴۲۴ق.
- «الفوائد فی تعظیم الفاطمیین»، محمد اسماعیل مازندرانی خواجهوی، الرسائل الاعتقادیة، ج ۱، تحقیق: سید مهدی رجایی، دار الکتب الاسلامیة، قم: ۱۴۱۱ق.
- «تشیید المراجعات و تفنیید المکابرات (۱۵)»، سید علی میلانی، تراثنا، مؤسسه آل البيت علیهم السلام لاحیاء التراث، قم: ۱۴۲۰ق.
- «تطور الفقه عند الشیعة فی القرنین ۴ و ۵»، جعفر سبحانی، تراثنا، شماره دوم، سال اول، ج ۲، قم: ۱۴۰۶ق.